



The University of Tehran Press

An Examination of Freedom of Information and Open Judicial Data in the Course of Litigation

Hoda Ghaffari¹  | Roohollah Taherifard² 

1. Corresponding Author; Associate Prof. Department of Public Law. Faculty of Law and Political Sciences. University of Allamah Tabatabaei. Tehran. Iran. Email: hodaghafari@gmail.com
2. Ph.D. student in Private Law. Faculty of Law and Political Sciences. University of Allamah Tabatabaei. Tehran. Iran. Email: roohollahtaherifard@gmail.com

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article	The judiciary has a unique capacity to deliver justice, combat corruption, and safeguard the legitimate freedoms. To realize this capacity, the judiciary must be efficient and sound. Protecting this institution can only be achieved through public oversight, as any form of non-public oversight can be skewed in favor of powerful groups. Freedom of information, which is essential for public oversight, obligates the judiciary and its subordinate institutions to publish judicial information. Judicial information refers to any information produced within the judiciary and its subordinate institutions, which must be published without delay based on the principle of freedom of information. Due to the possibility of errors in analysis, open data has been introduced alongside freedom of information, which undoubtedly has a positive impact on public oversight. This paper examines freedom of information in the judicial process and the nature of judicial open data. The findings of this study indicate that the Decree on Comprehensive Information Dissemination System of the Judiciary, the Constitution, and statutes pertaining to the public nature of court proceedings and the publication of rulings have not succeeded in transforming the judiciary into an accountable institution.
Pages: 1005-1034	
Received: 2023/07/17	
Received in Revised form: 2023/12/11	
Accepted: 2024/05/06	
Published online: 2025/06/22	Ghaffari, Hoda; Taherifard, Roohollah (2025). An Examination of Freedom of Information and Open Judicial Data in the Course of Litigation. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 55 (2), 1005-1034. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2024.360311.3327
Keywords: <i>freedom of information, judicial information, open court, judicial open data, releasing of verdicts.</i>	
How To Cite	
DOI	
Publisher	The University of Tehran Press. 



بررسی آزادی اطلاعات و داده‌ باز قضایی در جریان دادرسی

هدی غفاری^۱ | روح‌الله طاهری فرد^۲

۱. نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه حقوقی عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: hodaghafari@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

رایانامه: roohollahtaherifard@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی صفحات: ۱۰۰۵-۱۰۳۴ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۶ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۹/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: آزادی اطلاعات، اطلاعات قضایی، انتشار آرا، دادگاه‌های علنی، داده باز قضایی.	دستگاه قضایی ظرفیت بی‌بدیلی در اجرای عدالت، مبارزه با فساد و حراست از آزادی‌های مشروع مردم دارد. برای عملی شدن این ظرفیت، این دستگاه باید کارآمد و سالم باشد. حراست از این دستگاه جز با نظارت همگانی میسر نخواهد بود، چراکه هرگونه نظارت غیرهمگانی به نفع گروه‌های صاحب قدرت قابل انحراف است. آزادی اطلاعات که از لوازم نظارت همگانی است، دستگاه قضایی و نهادهای زیرمجموعه آن را مکلف می‌سازد تا اطلاعات قضایی را منتشر کنند. اطلاعات قضایی به هر اطلاعاتی اطلاق می‌شود که در دستگاه قضایی و نهادهای زیرمجموعه آن تولید و بر اساس اصل آزادی اطلاعات باید بدون تأخیر منتشر شوند. به دلیل وجود احتمال اشتباه در تحلیل، داده باز در کنار آزادی اطلاعات مطرح شد که بدون شک بر نظارت همگانی تأثیر مثبتی می‌گذارد. در این پژوهش آزادی اطلاعات در روند دادرسی در دستگاه قضایی و ماهیت داده باز قضایی بررسی می‌شود. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که آیین‌نامه «نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضاییه»، قانون اساسی و قوانین عادی که بر علنی برگزار شدن دادگاه‌ها و انتشار آرا دلالت دارد، نتوانسته است دستگاه قضایی را به نهادی پاسخگو تبدیل سازد.
استناد	غفاری، هدی؛ طاهری فرد، روح‌الله (۱۴۰۴). بررسی آزادی اطلاعات و داده باز قضایی در جریان دادرسی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۵ (۲)، ۱۰۰۵-۱۰۳۴. DOI: https://doi.com/10.22059/10.22059/jplsq.2024.360311.3327
DOI	10.22059/jplsq.2024.360311.3327
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

دستگاه قضایی با توجه به اصل ۱۵۶ قانون اساسی قوه‌ای است که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت است. رؤسا، قضات، کارمندان و ضابطان دادگستری عاملان تحقق عدالت و حفظ حقوق فردی و اجتماعی‌اند. در نظام حقوقی ایران، اختیارات زیادی به دادرسان اعطا شده که با حقوق و آزادی‌های اساسی مردم مرتبط است. بخش عمده‌ای از این اختیارات نیز جنبه تشخیصی و تأخیری دارد؛ بدین معنا که اتخاذ تصمیم در خصوص یک امر، تنها به تشخیص دادرس منوط شده است (خالقی، ۱۳۹۷: ۶۴). برای مثال می‌توان از اختیار صدور یا عدم صدور قرار تفتیش منزل یا قرار وثیقه یا قرار تأمین خواسته و دستور موقت نام برد که در غالب این موارد، اختیار تشخیصی و کنترل‌نشده به دادرس داده شده است.

از آنجایی که قدرت می‌تواند زمینه‌ساز فساد باشد (Lazarski, 2012: 12)، لازم است تمرکز نهادهای نظارتی روی این نقاط باشد. نظارت سازمانی همچنان که به تجربه ثابت شده است کارآمد نیست، چراکه خود سازمان‌های نظارتی گلوگاه فساد می‌شوند و بر نهادهای نظارتی و بازرسان نیز باید نظارت شود. نظارت بر نظارت زنجیره‌ای است که نقطه پایانی ندارد، بنابراین برای رهایی از این دور تسلسل باید راه‌حل دیگری یافت. کارآمدترین شیوه، نظارت همگانی است؛ بدین معنا که اعمال و تصمیمات مسئولان به گونه‌ای باشد که در معرض سنجش افکار عمومی قرار گیرد. قدرتی که افکار عمومی دارد، مانند سدی قوی مقابل سیل فساد، بی‌قانونی و ناکارآمدی می‌ایستد و هر شخص یا نهاد فاسد را می‌تواند به زانو درآورد. لازمه نظارت همگانی بر اشخاص و سازمان‌ها دسترسی آزاد به اطلاعات و داده‌هاست (احمدی، ۱۳۹۶: ۷۱۰). با بررسی اطلاعات و سنجش داده‌ها می‌توان عملکرد آنها را ارزیابی کرد و به ناکارآمدی و فساد شخص یا نهاد تحت نظارت آگاه شد. بنابراین بدون ارائه اطلاعات و داده، سخن از نظارت همگانی بیهوده است.

با نگاهی به عملکرد حاکمیتی امام علی (ع) هم می‌توان نظارت همگانی و ابزار آن یعنی آزادی اطلاعات را فهم کرد. حضرت در روایتی فرمودند که من هیچ چیز به جز اسرار نظامی را پنهان نمی‌دارم.^۱ همچنین مهم‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه‌حل برای ایجاد رضایت مردم اهتمام به آزادی اطلاعات است (Kierkegaard, 2009: 4). بی‌توجهی به اصل آزادی اطلاعات در دستگاه قضایی بدون تردید، عدم پاسخگویی و فقدان مسئولیت‌پذیری را در پی خواهد داشت. یکی از اصول حقوق عمومی آن است که داشتن اختیار با مسئولیت و پاسخگویی ملازمه دارد. اگر بر اعمال این گونه اختیارات قضایی، نظارت و کنترلی صورت نگیرد، مقامات قضایی بی‌شک به افراد خود رأی و خطرناکی تبدیل می‌شوند که کمترین توجه را به حقوق و آزادی‌های مردم را دارند (Kaufman, 2020: 134).

۱. «إِنَّ لَكُمْ عِنْدِي أَلَّا أُخْتَجَزَ دُونَكُمْ سِرًّا إِلَّا فِي حَرْبٍ» (نامه ۵۰ نهج البلاغه؛ سید رضی، ۱۳۸۲: ۴۰۰).

افزون بر این توجه به آزادی اطلاعات، سبب افزایش کارایی دستگاه قضایی می‌شود (یاوری، ۱۳۹۵: ۱۵۵). آزادی اطلاعات در دستگاه قضایی سبب می‌شود که دادرسان و سایر عوامل قضایی اعم از طرفین دعوا، وکلا، شهود و کارشناسان با مشاهده ناظر عینی و بیرونی بر اعمال و گفتار خود، وظایف خویش را با رعایت قوانین و با دقت و احتیاط انجام دهند. علنی برگزار شدن دادگاه‌ها ارتباط مستقیمی بر اجرای صحیح قوانین توسط قضات و وکلا دارد. در اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی^۱، پیش‌بینی شده است که جلسات رسیدگی از جمله جلساتی که در آن دلایل ارائه و رأی اعلام می‌شود، به‌طور علنی تشکیل شود (پوراستاد، ۱۳۸۷: ۵۶). همچنین انتشار آرای قضایی و نقد آنها توسط کارشناسان سبب می‌شود تا اشتباهات قضایی به حداقل ممکن برسد (Griffith, 1998: 13).

در آخر نیز، توجه به آزادی اطلاعات، می‌تواند سبب افزایش اعتماد عمومی شود. چنانچه دادگاه‌ها در رسیدگی به دادخواهی‌ها و تظلمات، عادلانه عمل کنند و مرتکب بی‌عدالتی نشوند، توسل مردم به دادگستری و تمکین آنها به احکام دادگاه‌ها بیشتر خواهد شد؛ در غیر این صورت، آنها اعتماد خود را به دستگاه قضا از دست خواهند داد و دادرسی خصوصی جایگزین دستگاه قضایی خواهد شد.

در این تحقیق به بررسی آزادی اطلاعات در روند دادرسی در دستگاه قضایی در قالب چند بخش «پیشینه و ادبیات تحقیق»، «رویکردهای نظری پژوهش»، «مفهوم آزادی اطلاعات»، «مطالعه تطبیقی»، «موافقان و مخالفان آزادی اطلاعات قضایی» و «تکلیف دستگاه قضایی بر تحقق آزادی اطلاعات» پرداخته شده و به پرسش‌های ذیل پاسخ داده می‌شود:

الف) منظور از آزادی اطلاعات قضایی چیست؟

ب) آیا در متون قانونی کشور ما، اشاره‌ای به آزادی اطلاعات قضایی شده است؟

ج) استدلال موافقان و مخالفان آزادی اطلاعات قضایی چیست و کدام استدلال قوی‌تر است؟

د) وضعیت فعلی آزادی اطلاعات در دستگاه قضا چگونه است و چه مواردی باید در آن تغییر نماید؟

۲. پیشینه و ادبیات تحقیق

در خصوص آزادی اطلاعات آثار پژوهشی متنوعی به نگارش درآمده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از کتاب حق دسترسی به اطلاعات نوشته باقر انصاری، کتاب دوجلدی حقوق آزادی اطلاعات؛ از نظریه تا عمل نوشته محسن اسماعیلی، کتاب آزادی اطلاعات در پرتو حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و فقه امامیه نوشته فضل‌الله رنجبر و مقاله «آزادی اطلاعات و حق دسترسی: بنیان دموکراسی» نوشته حسن نمکدوست، کتاب دسترسی به اطلاعات و شفافیت در دستگاه قضایی نوشته آوارو هررو و گسپر

1. Principles and Rules of Transitional Civil Procedure

لوپز^۱، رساله حدود آزادی رسانه در امور قضایی نوشته محمد جان نثاری و کتاب‌های آیین دادرسی مدنی و کیفری که به موضوع علنی برگزار شدن جلسات رسیدگی و محاکم پرداخته‌اند.

در آثار پژوهشی داخلی به قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ضمن بررسی مفهوم، مبانی و لوازم آزادی اطلاعات پرداخته شده است. آزادی اطلاعات در میان بنیان‌های دموکراسی به اکسیژن دموکراسی تعبیر (نمکدوست، ۱۳۸۲: ۶۴) و به آزادی دسترسی افراد جامعه به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و برخی مؤسسات غیرعمومی تعریف شده است (انصاری، ۱۳۸۷: ۲۵). استدلال و مبانی مختلفی اعم از سیاسی، حقوقی و اقتصادی برای شناسایی آزادی اطلاعات و حمایت از آن برشمرده شده است. از نظر مبانی سیاسی، هستی و حیات آزادی بیان و مطبوعات، گسترش و مستمر ساختن نظارت مردمی و شفافیت در ارکان قدرت به وجود آزادی اطلاعات ارتباط دارد. از منظر حقوقی نیز، در جامعه مردم‌سالار، کل حکومت و اطلاعات آن به مردم تعلق دارد و حاکمان و تصمیم‌گیرندگان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم نماینده، وکیل و امین مردم هستند و نمی‌توانند اطلاعات را از آنها مخفی نگه‌دارند (اسماعیلی، ۱۴۰۰، ج ۱: ۳۶ به بعد). لوازم تحقق آزادی اطلاعات نیز از دیگر مواردی است که بررسی شده است. برای فعلیت یافتن آزادی اطلاعات تمهید مقدمات و پایبندی به لوازم آن ضروری است. این لوازم شامل مشخص کردن استثنای اصل آزادی اطلاعات، تسهیل دسترسی به اطلاعات، اتخاذ تدابیر ترویجی و مبارزه با فرهنگ اسرارگرایی، حمایت از افشاکنندگان فساد و غیره است (رنجبر، ۱۳۹۷: ۳۱). در آثار پژوهشی خارجی به اهمیت انتشار اطلاعات در قوای مختلف به‌خصوص قوه قضاییه تأکید شده و برای سازمان‌های بین‌المللی منطقه‌ای وظایف مهمی از جمله ایجاد ساختارهای نظام‌مند و کارآمد برای در دسترس قرار گرفتن اطلاعات نزد مردم پیش‌بینی شده است (Lopez, 2010: 5).

مقاله قابل تأملی در خصوص آزادی اطلاعات در دستگاه قضایی توسط مارکو مارکویچ^۲ و استیون گوستویچ^۳ به نام «داده قضایی باز: مطالعه تطبیقی»^۴ در سال ۲۰۱۸ نوشته شد. این مقاله برای اولین بار بحث داده باز قضایی را وارد حوزه قضایی کرد. این مقاله انواع داده‌های قضایی را شناسایی، چندین روش‌شناسی پرکاربرد را ارزیابی و روش‌شناسی شاخص داده باز جهانی^۵ را به‌عنوان مناسب‌ترین روش‌شناسی برای ارزیابی مجموعه داده‌های قضایی انتخاب می‌کند و بر اساس آن ۱۰ کشور از جمله اتریش، روسیه، آمریکا و ... را ارزیابی و مقایسه می‌کند.

با توجه به ارزیابی آثار پژوهشی انجام‌شده به‌وضوح مشخص می‌شود که در زمینه آزادی اطلاعات در

1. Access to Information and Transparency in the Judiciary by Alvaro Herrero and Gaspar Lopez

2. Marko Markovic

3. Steven Gostojic

4. Open Judicial Data: A comparative Analysis

5. Global Open Data Index

دستگاه قضایی و داده باز قضایی به اندازه مطلوب پرداخته نشده است. در این پژوهش ضمن نگاه جدید به ماهیت آزادی اطلاعات، از این اصل با توجه به داده باز، تعریف جدید ارائه خواهد شد. لکن از نظر نباید دور داشت که با وجود قوانین حمایت کننده از آزادی اطلاعات آنچه از اهمیت زیادی برخوردار است، اجرای قانون است. در کشورهایی قانون به درستی اجرا می شود که رسانه به عنوان نماینده مردم بر اجرای اصل آزادی اطلاعات نظارت کند (جان نثاری، ۱۳۹۲: ۲). در ایالات متحده رسانه های اجتماعی نسبت به کشورهای دیگر قدرت و نفوذ زیادی دارند. به طور معمول در مواردی که رسانه متوجه موضوعی می شود و اقدام به تحقیق می کند، به سختی می توان جلوی آنها را گرفت که مثال روشن آن ماجرای واترگیت است (جلالی ۱۳۹۴: ۱۲۱).

۳. مبانی حقوقی آزادی اطلاعات

مبانی مختلفی برای به رسمیت شناختن آزادی اطلاعات مطرح شده است. برخی مبانی آزادی اطلاعات را به مبانی سیاسی از جمله شفافیت، مشارکت عمومی و پاسخگویی، به مبانی حقوقی از جمله آزادی بیان و رسانه ها، مالکیت عمومی اطلاعات و خلاف قاعده بودن محرمانگی، برابری و منع تبعیض، حکومت قانون و مبارزه با فساد و به مبانی اجتماعی از جمله توانمندسازی و مبانی فرهنگی از جمله تعالی فرهنگ عمومی و دسترسی به دانش و به مبانی اقتصادی از جمله خصوصی سازی و رقابت و سرمایه گذاری تقسیم کرده اند (انصاری، ۱۳۹۷: ۳۵ - ۵۹). این در حالی است که این موارد نتایج آزادی اطلاعات است و نه مبانی آن. به نظر می رسد که مبانی آزادی اطلاعات را می توان در سه نظریه وکالت، نظارت و انتقال قدرت خلاصه کرد.

۱.۳. نظریه وکالت

در گذشته حاکمان و فرمانروایان مشروعیت خودشان را از مردم نمی دانستند و به همین دلیل اعتقاد نداشتند که باید نسبت به اقدامات خود پاسخگو باشند. همچنین برخی نظریه پردازان^۱ نیز وجود حکومت های مستبد را به نفع مردم می دانستند و این گونه توجیه می کردند که ذات انسان متجاوز و شرور است. هیچ انسانی به حق خود قانع نبوده و انسان ها ذاتاً خودخواه، زیاده طلب و متجاوز به دیگران هستند. انسان ها باید همواره کنترل شوند، چون در غیر این صورت هر انسانی که بتواند به حقوق انسان های دیگر تعدی می کند و در عمل بر جوامع بشری قانون جنگل حکمفرما می شود. بنابراین انسان ها توافق کردند که بخشی از آزادی خود را به یک فرمانروای مقتدر و نیرومند واگذار کنند تا در عوض او هم امنیت و آسایش آنها را فراهم کند و جلوی تجاوز انسان های قدرتمند دیگر را بگیرد.

۱. اندیشمند انگلیسی سده هفدهم توماس هابز

اما این نگاه تغییر کرد و سیاستمداران و اندیشمندان علوم سیاسی^۱ بر حق مردم بر تعیین سرنوشت خود تأکید و آن را از مهم‌ترین حق بشر تلقی کردند. ظهور دموکراسی نتیجه آرا و نظرهای آنها بود. دموکراسی به معنای حکومت مردم بر مردم است؛ بدین شکل که به دلیل محدودیت‌های موجود، مردم نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند تا نمایندگان به وکالت از مردم امور مرتبط با تقنین و اداره کشور را انجام دهند. بنابراین اعمال حاکمیت مردم از طریق وکلایشان صورت می‌گیرد. از آنجا که وکیل باید بر اساس غبطه و مصلحت موکل خود اقدام کند وگرنه اقدامات وی غیرنافذ است، وکیل باید موکل خود را از اقدامات خود آگاه سازد. بنابراین اطلاعات موجود نزد وکیل پیوسته باید در دسترس موکل قرار گیرد (هاشمی، ۱۳۹۱: ۲۰۰-۲۰۱).

این نظریه در حقوق و اندیشه اسلامی نیز جایگاه ویژه دارد. از نظر اسلام، حکومت و متعلقات آن مانند قدرت در نزد کارگزاران امانت است، به همین دلیل امام علی (ع) در نامه معروفش به کارگزار آذربایجان هشدار داد که:

«مبادا بپنداری حکومتی که به تو سپرده شده است، طعمه و شکاری است که به چنگ آورده‌ای؟ خیر، امانتی است که برگردنت نهاده شده و تو تحت نظارت مقام بالاتر هستی و نمی‌توانی به استبداد و دلخواه در میان مردم رفتار کنی» (اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۵۰).
آن حضرت در نامه دیگری به مأموران حکومتی نهیب می‌زند:
«از طرف خود با مردم به انصاف رفتار کنید و در برآوردن نیازهای آنان پرحوصله باشید؛ چراکه شما امانتدار مردم، وکیل امت و نماینده حکومت هستید» (اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۵۳).

۲.۳. نظریه نظارت

نظارت به صورت کلی عبارت است از کنترل و بررسی اقدامات یک مقام و سازمان توسط یک مقام یا سازمان دیگر که هدف از آن حصول اطمینان از باقی ماندن اقدامات یادشده در حدود و ثغور قانون است (جوان آراسته، ۱۳۹۲: ۱۳۶). همیشه بیم تخلف دولت و نهادهای قدرتمند دولتی در نقض قانون وجود دارد. بنابراین لازم است سازوکارهایی در نظر گرفته شود که حقوق شهروندان در برابر دولت تضمین شود. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و هم در اصول آن بر اهمیت نظارت تأکید شده است. در مقدمه قانون اساسی آمده است:

«وسایل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون) باید در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و

ترویج خصلت‌های تخریبی و ضداسلامی جداً پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود می‌داند و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید، بر عهده همگان است و لازم است که امت مسلمان با انتخاب مسئولان کاردان و مؤمن و نظارت مستمر بر کار آنان به طور فعالانه در ساختن جامعه اسلامی مشارکت جویند به امید اینکه در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی بر همگی مردم جهان باشد، موفق گردد» (هاشمی، ۱۳۹۱: ۵۸).

ماهیت آزادی اطلاعات را می‌توان نظارت بر مقامات و سازمان‌ها دانست. رفتار مقامات و سازمان‌ها زمانی بهینه خواهد بود که خود را پیوسته در حال نظارت ببینند.

۳.۳. نظریه انتقال قدرت

در کشورهای دموکراتیک، قدرت پیوسته با انتخابات در حال جابه‌جایی است و هیچ‌گاه در دست یک فرد، حزب یا گروهی متمرکز نمی‌ماند. لازمه انتقال قدرت برابری اطلاعات نزد احزاب و گروه‌های سیاسی است، چراکه اطلاعات خود سبب ایجاد قدرت می‌شود. اگر گروه سیاسی یا حزبی نسبت به گروه سیاسی یا حزب دیگر از اطلاعات بیشتری برخوردار باشد، به دلیل برخورداری از قدرت بیشتر، ساختار سیاسی کشور را به سمت دیکتاتوری و تمرکز قدرت سوق خواهد داد. بنابراین لازمه انتقال قدرت آزادی اطلاعات است (نمکدوست، ۱۳۸۲: ۵۷).

۴. مفهوم آزادی اطلاعات

آزادی اطلاعات در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف جهان از یک عنوان و تعریف واحد تبعیت نکرده و از عباراتی چون دسترسی آزاد به اطلاعات، دسترسی به اسناد دولتی، دسترسی به سوابق دولتی، حق بر دانستن، حق دسترسی به اطلاعات و حق دسترسی به اسناد، انتشار اطلاعات و داده باز حکومتی استفاده شده است. به طور کلی آزادی اطلاعات مفهومی است که دارای معنای وسیع و پیچیده است (مولایی، ۱۳۷۵: ۲۱).

آزادی اطلاعات را اغلب آزادی دسترسی عموم شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی و غیرعمومی تعریف کرده‌اند. در ماده ۲ قانون «انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات»^۱ آزادی اطلاعات این گونه تعریف شده است که «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد...». به نظر می‌رسد تعریف آزادی اطلاعات به حق دسترسی مردم به اطلاعات، ناقص است. همچنین بسیاری آزادی اطلاعات را با تکلیف مؤسسات به انتشار اطلاعات یکی می‌دانند (انصاری، ۱۳۹۷: ۲۳)، درحالی‌که این تعریف نیز ناقص است. به صورت کلی آزادی اطلاعات به سه موضوع می‌پردازد: «درخواست دسترسی به اطلاعات»، «انتشار اطلاعات» و «داده باز».

۱. از این به بعد به اختصار قانون انتشار نامیده می‌شود.

«اطلاعات» به معنای داده‌های پردازش شده است. زمانی که داده‌ها در کنار هم قرار بگیرند و نتیجه‌ای از آنها حاصل شود، نتیجه حاصل شده اطلاعات است. بند «ج» ماده ۱ قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی مصوب ۱۴۰۱/۰۶/۳۰ اطلاعات را مجموعه‌ای از داده‌ها که طی عملیات منطقی پردازش می‌شوند، تعریف کرده است. اما «داده» واجد وصف تحلیل و پردازش نیست و برای بسیاری از افراد بی‌معناست، ولی از کنار هم قرار دادن داده‌ها می‌توان به نتیجه مطلوب رسید. بند «ث» ماده ۱ قانون مدیریت داده‌ها و اطلاعات ملی داده را مجموعه‌ای از اعداد و حروف و علائم و نشان‌هایی تعریف می‌کند که به صورت قراردادی در ابزارهای الکترونیکی و یا رقمی یا توسط هر نوع فناوری جدید ارتباطی و اطلاعات تولید می‌شود. اطلاعات را به داده تبدیل کردن محال است و نمی‌توان به صورت مهندسی معکوس به داده‌های خواسته شده رسید، اما از داده می‌توان به اطلاعات رسید (Bellinger, 2004: 1).

علت توضیح ارائه شده در خصوص اطلاعات و داده آن است که هدف از آزادی اطلاعات، صرفاً دسترسی به اطلاعات یا انتشار اطلاعات نیست؛ چراکه اطلاعات نتیجه تحلیل کارشناسی است که در خوش‌بینانه‌ترین حالت از پنجره نگاه خود و بدون غرض‌ورزی سیاسی، مذهبی و اجتماعی به تحلیل می‌پردازند. بنابراین تحلیل‌های ارائه شده که به صورت اطلاعات در دسترس مردم قرار می‌گیرد، سه حالت غلط، ناقص و درست دارد.

در دو حالت اول نه تنها مطلوب ما از آزادی اطلاعات برآورده نمی‌شود، بلکه این نوع از آزادی اطلاعات موجب گمراهی مردم می‌شود. هدف آزادی اطلاعات آگاه ساختن مردم است که بهترین تنهاترین راه حل آن ارائه داده و به عبارت دقیق‌تر «باز کردن داده» است. در قانون انتشار که مهم‌ترین سند قانونی مرتبط با آزادی اطلاعات است، در خصوص داده‌ها مطلبی بیان نشده است. اگرچه بند «الف» ماده ۱ قانون انتشار اطلاعات را به داده‌های مندرج در اسناد، ذخیره شده به صورت نرم‌افزاری و یا مضبوط به هر وسیله‌ای تعریف کرده اما در قانون بیشتر به داده‌های پردازش شده توجه شده است.

در قانون انتشار، اطلاعات از نظر نحوه انتشار به دو دسته تقسیم می‌شود: اطلاعات پیشدستانه و اطلاعات مبتنی بر درخواست. اطلاعات پیشدستانه، اطلاعاتی هستند که بدون درخواست از جانب مردم باید منتشر شود. تبصره ماده ۵ قانون انتشار، مؤسسات^۱ را ملزم به انتشار اطلاعاتی کرده که متضمن حق و تکلیف برای مردم است. این اطلاعات باید علاوه بر طریق قانونی از طریق انتشار و اعلان عمومی و

۱. منظور از مؤسسات عمومی نیز با توجه به ماده ۵ قانون انتشار، «سازمان‌ها و نهادهای وابسته به حکومت به معنای عام کلمه شامل تمام ارکان و اجزای آنکه در مجموعه قوانین جمهوری اسلامی ایران آمده است». تنها استثنایی که در این خصوص پیش‌بینی شده به مؤسسات زیر نظر رهبری مربوط می‌شود. تبصره ماده ۱۰ قانون مذکور می‌گوید: «حکم ماده در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام رهبری است، منوط به عدم مخالفت معظم له می‌باشد».

رسانه‌های همگانی به آگاهی مردم برسد. این دسته از اطلاعات به قوانین خلاصه می‌شود. نوع دیگر از اطلاعات پیشنهاددهنده ماده ۱۰ قانون انتشار است. این ماده بیان می‌کند که «هریک از مؤسسات عمومی باید جز در مواردی که اطلاعات دارای طبقه‌بندی است، در راستای نفع عمومی و حقوق شهروندی دست کم به طور سالانه اطلاعات عمومی شامل عملکرد و ترازنامه (بیان) خود را با استفاده از امکانات رایانه‌ای و حتی امکان در یک کتاب راهنما که از جمله می‌تواند شامل موارد زیر باشد، منتشر سازد و در صورت درخواست شهروند با اخذ هزینه تحویل دهد:

(الف) اهداف، وظایف، سیاست‌ها و خطی مشی‌ها و ساختار؛

(ب) روش‌ها و مراحل انجام خدماتی که مستقیماً به اعضای جامعه ارائه می‌دهد؛

(ج) سازوکارهای شکایت شهروندان از تصمیمات یا اقدامات آن مؤسسه؛

(د) انواع و اشکال اطلاعاتی که در آن مؤسسه نگهداری می‌شود و آیین دسترسی به آنها؛

(ه) اختیارات و وظایف مأموران ارشد خود؛

(و) تمام سازوکارها یا آیین‌هایی که به وسیله آنها اشخاص حقیقی و حقوقی و سازمان‌های غیردولتی می‌تواند در اجرای اختیارات آن واحد مشارکت داشته یا به نحو دیگری مؤثر واقع شوند.

تبصره - حکم این ماده در مورد دستگاه‌هایی که زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری است، منوط به عدم مخالفت معظم له می‌باشد».

این دسته از اطلاعات اگرچه واجد وصف پیشنهاددهنده بودن و به اهداف آزادی اطلاعات نزدیک است، اما از مؤسسات به عنوان متولی انتشار درخواست شده که اطلاعات را منتشر کنند. به همین دلیل این درخواست می‌تواند به سانسور و گزینشی عمل کردن مسئولان مؤسسات مذکور منجر شود. به همین دلیل باید روشی را برگزید که واسطه‌ای در میان نباشد.

دسته دوم که بسیار مهم‌تر از دسته نخست است، اطلاعات مبتنی بر درخواست است که جنبه عمومی دارد؛ یعنی اطلاعاتی که متضمن تکلیف نبوده و مشمول ماده ۱۰ نیز نیست، ولی دسترسی مردم به آنها یک حق است. مانند حقوق رئیس‌جمهور، وزرا و مدیران سازمان‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی، نحوه هزینه‌کرد بودجه کشور، تعداد پرونده‌های قضایی تشکیل شده در کشور، طول مدت رسیدگی به هر پرونده، آمار موضوعی پرونده‌های قضایی، تعداد خودکشی‌ها در سال، نحوه دسترسی به دوربین‌های موجود در سطح شهر، چگونگی واردات و صادرات کالاهای مختلف و موارد دیگر.

ماده ۲ قانون انتشار بیان می‌کند «هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد، مگر آنکه قانون منع کرده باشد...». طبق قانون مذکور، اطلاعات باید از مؤسسات مذکور در قانون درخواست شود. درخواست دسترسی به اطلاعات به فرایندی گفته می‌شود که شخص یا نماینده قانونی وی از مؤسسه مشمول قانون درخواست می‌کند تا اطلاعات موردنظر وی را در دسترس وی قرار دهد. شخص

موردنظر با توجه به ماده ۲ باید ایرانی و بر اساس ماده ۶ حقیقی باشد و اطلاعات به وی مربوط باشد.^۱ پس از درخواست، مرحله انتشار اطلاعات است. ماده ۸ قانون بیان می کند «مؤسسه عمومی یا خصوصی باید به درخواست دسترسی به اطلاعات در سریع ترین زمان ممکن پاسخ دهد و در هر صورت مدت زمان پاسخ نمی تواند حداکثر بیش از ده روز از زمان دریافت درخواست باشد ...».

اطلاعات و انتشار آن جزء اولین قدم هایی بود که برای هدف شفافیت برداشته شد. کشورهای پیشرفته در زمینه شفافیت به آزادی اطلاعات اکتفا نکردند و گام را فراتر گذاشتند و توجه بیشتر خود را به داده باز^۲ متمرکز کردند. پیشرفت فناوری های جدید به عملی شدن ایده داده باز کمک بسیار کرده است. در اواسط سال ۲۰۱۳ مفهوم داده باز در تمام جهان گسترش یافت. اکنون تأثیرات پورتال ها و پروژه های داده باز را می توان در هر قاره، شهر و مؤسسات بین المللی مشاهده کرد (Kitchen, 2014: 17).

داده ها بیان کننده واقعیت ها و پدیده های طبیعی اند که در قالب اعداد، صفات یا تصاویر بیان می شوند. اما اگر داده های مرتبط در کنار هم قرار گیرند و پردازش شوند، معنادار می شوند. پردازش داده ها ممکن است به اطلاعات غلط یا ناقص منجر شود. به همین دلیل در چند سال اخیر کشورها به این جمع بندی رسیدند که باز کردن داده ها از عمومی سازی یا انتشار اطلاعات مهم تر است. البته این به معنای آن نیست که به طور کلی انتشار اطلاعات از درجه اعتبار ساقط شده است، بلکه اطلاعات نیز در جای مناسب اثر خود را می گذارد. بسیاری از مردم وقت ندارند تا خود به پردازش داده ها بپردازند. آنها به افرادی که اعتماد دارند رجوع و از پردازش داده های آنها استفاده می کنند (Bellinger, 2004: 1).

تعریف داده در بالا ارائه شد، اما در خصوص عبارت «باز» باید اشاره کرد که هر داده ای که شش اصل زیر را داشته باشد، باز محسوب می شود.

الف) همگانی شدن داده ها

نهادهای و مؤسسات وظیفه دارند داده های خود را به صورت رایگان در اختیار عموم قرار دهند؛ یعنی زمانی که داده تولید می شود با رعایت حریم خصوصی به محض تولید همگانی شود. برای مثال هر شهروندی حق دارد که بداند هر ماه یا هر سال چه تعداد پرونده در دادگستری استان تهران تشکیل می شود؟ میانگین مدت زمان رسیدگی به هر پرونده چقدر است؟ هر شهر چند مجتمع قضایی دارد؟ تعداد کارمندان قضایی و قضات چقدر است؟ تمام این داده ها باید بدون هیچ درخواستی منتشر شود و نیازی به

۱. این قسمت ایجاد ابهام می کند؛ اولاً اینکه اصل بر این است که اطلاعات عمومی متعلق به تمام مردم و به تمام آنها مربوط می شود؛ ثانیاً کدام مرجع به این معیار رسیدگی می کند؟ در قانون برای آن مرجعی در نظر گرفته نشده است.

2. Open Data

تأیید و اجازه ریاست، حراست و... نباشد. در عین حال نباید در داده‌های مذکور حریم خصوصی اشخاص نقض شود.

(ب) انتشار بدون تأخیر و جامع

داده‌ها باید بدون تأخیر و تغییر به صورت جامع منتشر شوند. در ادامه مثال قبل، می‌خواهید بدانید تعداد آرای قطعی و غیرقطعی‌ای که توسط مرجع بالاتر نقض شده در سال ۱۴۰۰ چقدر بوده است؟ دستگاه قضایی باید داده‌های مذکور را بدون تأخیر و به صورت جامع منتشر کند. تأخیر معنای عرفی دارد و نمی‌توان برای تمام داده‌ها زمان مشخصی تعیین کرد. اگر زمان مورد استفاده از داده بگذرد، ارزش آن از بین خواهد رفت. جامعیت داده نیز اهمیت دارد، چراکه رابطه مستقیمی با استنتاج دارد.

(ج) قابلیت دسترسی و استفاده

تا وقتی داده‌ها منتشر نشوند و شهروندان به آن دسترسی نداشته باشند، هیچ ارزشی ندارد. این دسترسی باید در پورتال واحدی انجام شود تا تمام داده‌ها در یک جا قرار گیرد، بدین معنا که برای یافتن داده‌های قضایی و داده‌های مربوط به آموزش و پرورش، متقاضی داخل دو پورتال جداگانه نشود و تمامی داده‌های خود را در یک جا بیابد. از همه مهم‌تر، داده‌ها باید در فرمت‌های مختلف منتشر شوند تا کاربران مشکلی برای ویرایش و پردازش داده‌ها نداشته باشند. در ضمن، استفاده از داده‌ها نیازی به کسب اجازه، مجوز، احراز هویت کاربر و... ندارد.

(د) قیاس و تطبیق پذیری

داده‌ها نباید کلی باشند و باید به قسمت‌های کوچک‌تر مثل تقسیمات جغرافیایی، زمانی و... تقسیم شوند. داده‌ها باید در فرمت‌هایی منتشر شوند که قابلیت ماشین‌خوان بودن را داشته باشند. برای مثال می‌خواهید داده‌های در ارتباط با دستگاه قضایی را از پورتال دریافت کنید. داده‌ها باید به تفکیک سال ارائه شده باشند و ذکر از سال ۸۰ تا ۹۰ غلط است. داده‌ها باید به صورتی ارائه شوند که بتوان آنها را با یکدیگر مقایسه کرد و حتی بتوان داده‌ها را برای استنتاج در کنار هم قرار داد.

اگر داده‌ای نیاز به توضیح داشته باشد، این توضیح نباید در داخل فایل باشد، بلکه در صفحه دریافت فایل جداگانه نوشته شود. به این دلیل که وقتی قرار است داده‌ها ماشین‌خوان شوند، توضیحات فوق می‌تواند مانع شود (Charalabidis, 2018: 2).

۵. مطالعه تطبیقی

قانون آزادی اطلاعات در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به تصویب رسیده است. نخستین قانون آزادی اطلاعات جهان در سال ۱۷۶۶ در سوئد و در داخل قانون آزادی مطبوعات به تصویب رسید (انصاری، ۱۳۹۷: ۱۰۳)، اما به صورت کلی حرکت به سمت آزادی اطلاعات در کشورهای توسعه یافته از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد و در سال های مختلف به دلیل ظهور مسائل مختلف سیاسی و حقوقی در قوانین خود بازنگری کردند. وجوه مشترک قوانین دسترسی آزاد به اطلاعات بسیار زیاد است که شامل تکلیف مؤسسات عمومی به انتشار اطلاعات، استثنائات حاکم بر آزادی اطلاعات، نهاد ناظر بر اجرای قانون می شود. از سال ۲۰۱۳ بحث داده باز مطرح و از ارجحیت بالایی برخوردار شد.

دستگاه قضایی به منزله یکی از سه بخش حاکمیت که نقش مهمی ایفای می کند، برای برخورداری از عملکرد بهتر مخاطب اصلی آزادی اطلاعات و داده باز است. بر اساس مقاله «داده قضایی باز: مطالعه تطبیقی»، داده های قضایی شامل آرای و تصمیمات قضایی^۱، سوابق مکتوب موجود در پرونده^۲، داده و فراداده های پیرامون پرونده^۳ و داده های آماری^۴ است. تفاوت سوابق مکتوب موجود در پرونده و داده و فراداده های پیرامون پرونده را این گونه می توان ذکر کرد که سوابق مکتوب موجود در پرونده شامل تمام دادخواست ها، شکوائیه ها، لوایح، دستورهای قضایی و ... ثبت شده در پرونده است، اما داده شامل مواردی است که در پرونده درج نمی شود، مانند مطالب مطرح شده در جلسات رسیدگی و زمان های بررسی پرونده. باز بودن را هم این گونه تعریف می کند که داده در صورتی باز است که اولاً در دسترس تمام مردم باشد، بدون آنکه نیاز به گرفتن مجوز باشد و ثانیاً توسط ماشین ها قابل تجزیه و تحلیل باشد.

روش شناسی شاخص داده باز جهانی^۵، مجموعه داده ها را با استفاده از متغیرهای کمی و کیفی ارزیابی و تحلیل می کند. متغیرهای کیفی با پاسخ به پنج سؤال ۱، ۲، ۵، ۶ و ۱۱ و متغیرهای کمی با پاسخ به شش سؤال ۳، ۴، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ تعیین می شوند. سؤالات کیفی شامل موارد ذیل است:

- سؤال ۱: آیا داده ها به صورت آنلاین در دسترس قرار می گیرند؟
- سؤال ۲: آیا داده ها توسط دولت یا یک نهاد مرتبط با دولت جمع آوری می شود؟
- سؤال ۵: داده های را کجا می توان پیدا کرد؟
- سؤال ۶: چقدر با این عبارت موافق هستید؟ برای من پیدا کردن این داده آسان بود.
- سؤال ۱۱: برای استفاده از داده مذکور یک فرد چقدر باید تلاش کند؟

1. Court decision
2. Filed document record
3. Case registers
4. Statistical data
5. Global Open Data Index

بر اساس این روش‌شناسی اگر پاسخ به پرسش‌های ۱ یا ۲ منفی باشد^۱، دیگر به سراغ سؤالات بعدی نخواهیم رفت، در غیر این صورت به پرسش‌های بعدی پاسخ داده می‌شود و نحوه امتیازدهی به آنها به این شکل است: امتیازات شماره ۳، ۴، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ با یکدیگر جمع می‌شوند.

سؤالات کمی شامل موارد ذیل است:

– سؤال ۳: آیا داده‌ها به صورت آنلاین بدون نیاز به ثبت یا درخواست دسترسی به داده‌ها در دسترس قرار می‌گیرند؟

– سؤال ۴: آیا داده‌ها رایگان در دسترس قرار می‌گیرند؟

– سؤال ۷: آیا داده به سرعت قابل دانلود است؟

– سؤال ۸: آیا داده‌های مذکور به‌روزرزند؟

– سؤال ۹: آیا داده‌ها در مالکیت عموم قرار دارد (بدون نیاز به اخذ مجوز در دسترس مردم قرار دارد)؟

– سؤال ۱۰: آیا داده‌ها در فرمت فایل‌های قابل پردازش توسط نرم‌افزار هستند؟

سؤال ۳، ۱۵ امتیاز دارد. اگر داده‌ها به صورت آنلاین در دسترس نباشد یا ثبت‌نام لازم باشد، هیچ امتیازی به سؤال ۳ تخصیص داده نمی‌شود. روش‌شناسی مذکور فرایند ثبت‌نام را به شرط اینکه مرتبط با شرایط استفاده باشد، می‌پذیرد، اما اگر به عنوان ابزاری برای ایجاد محدودیت باشد، مورد پذیرش نخواهد بود. سؤال ۴ برای داده‌هایی که به صورت رایگان در دسترس است، ۱۵ امتیاز در نظر می‌گیرد. اگر کاربر مجبور باشد برای دسترسی به مجموعه داده‌ها مبلغی بپردازد، بر اساس تعریفی که از باز بودن ارائه شد، داده باز نخواهد بود و امتیازی داده نخواهد شد. پاسخ به سؤال ۵ در خصوص نشانی وب^۲ است که مکان قرار گرفتن مجموعه داده‌های باز را نشان می‌دهد. سؤال ۶ یک سؤال انتزاعی است که میزان سهولت برای یافتن مجموعه داده‌ها را با توجه به جواب‌هایی که از مقیاس نوع لیکرت^۳ ارائه می‌شود، ارزیابی می‌کند. در سؤال ۷ اگر داده‌ها فوراً قابل دانلود باشند، پاسخ مثبت داده و ۱۵ امتیاز داده می‌شود. منظور از دانلود فوری این است که برای دانلود مجموعه داده‌ها نیازی نیست که کاربر برای رسیدن به داده‌ها انبوهی از اطلاعات دیگر را دانلود کند. همچنین جست‌وجو برای دانلود داده‌ها بسیار آسان است و نیازی

۱. اگر داده‌ها توسط حکومت یا یک سازمان که به صورت رسمی نماینده حکومت است جمع‌آوری شود، پاسخ به سؤال دو مثبت است و اگر توسط دولت یا نماینده رسمی آن داده‌ها جمع‌آوری نشود یا توسط سازمانی جمع‌آوری شود که مرتبط با حکومت نباشد، پاسخ منفی خواهد بود.

2. URL

۳. مقیاس لیکرت از رایج‌ترین مقیاس‌های اندازه‌گیری در تحقیقاتی است که بر اساس پرسشنامه انجام می‌شود و توسط رنسیس لیکرت ابداع شده است. در این مقیاس یا طیف، محقق با توجه به موضوع تحقیق خود، تعدادی گویه را در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌دهد تا بر اساس گویه‌ها و پاسخ‌های چندگانه، میزان گرایش خود را مشخص کنند.

به فرستادن درخواست و یا حتی کپچا نیست. سؤال ۸، ۱۵ امتیاز به مجموعه داده‌های به‌روز می‌دهد. سؤال ۹، ۲۰ امتیاز به مجموعه داده‌هایی می‌دهد که در مالکیت عموم قرار دارند.^۱ سؤال ۱۰، ۲۰ امتیاز به داده‌هایی می‌دهد که فرمت آنها قابل پردازش توسط نرم‌افزارهاست. در جایی می‌توان گفت فرمت باز است که داده حداقل با یک نرم‌افزار رایگان و متن باز^۲ قابل پردازش باشد (Markovic, 2018: 2-18).

۶. موافقان و مخالفان آزادی اطلاعات قضایی

۱. دیدگاه مخالفان

برخی اعتقاد دارند که آزادی اطلاعات قضایی نه تنها به عدالت منجر نمی‌شود، بلکه احتمال بروز عوام‌زدگی در نحوه رسیدگی و صدور آرای قضایی و نقض حیثیت، کرامت انسانی و حریم خصوصی طرفین دعوا را افزایش می‌دهد.

در زمینه اهمیت حریم خصوصی و رعایت اصل محرمانگی، در بسیاری از موارد، افشای امور خصوصی افراد، آبرو و حیثیت آنها را به مخاطره می‌اندازد. اطلاع یافتن از اشتباهات و خطاهای افراد نفوذ به حریم خصوصی اشخاص است. اینکه شخصی جرمی را مرتکب شود و رسانه‌ها با جزئیات اتفاقات رخ داده را در اختیار مخاطبان قرار دهند با حریم خصوصی آنها منافات دارد. ضمن آنکه جامعه اغلب نفع مشروعی در دانستن عیب‌ها و لغزش‌های افراد خود ندارد (انصاری، ۱۳۹۰: ۵۱). یکی دیگر از دلایلی که مخالفان آزادی اطلاعات قضایی به آن استناد می‌کنند، تمایل بازرگانان و شرکت‌های غیردولتی به «خصوصی کردن نظام قضایی» است؛ بدین معنا که طرفین دعوا برای اینکه رسیدگی آنها علنی نباشد و محرمانگی آنها حفظ شود، به داوری مراجعه می‌کنند؛ چراکه یکی از اصول حاکم بر داوری به‌خصوص داوری تجاری محرمانگی است. به همین اقتضا اصل ۱۵۶ قانون اساسی یکی از استثنائات علنی بودن دادگاه‌ها را تقاضای طرفین دعوا در دعاوی خصوصی قرار داده است (حسینی، ۱۳۹۱: ۲۹۰).

همچنین مخالفان اعتقاد دارند که انتشار آرای قضایی و پخش ویدئویی جلسات رسیدگی و اقدامات دیگر، حل و فصل عادلانه و منطقی اختلافات و دعاوی حقوقی را با چالش روبه‌رو می‌سازد؛ بدین معنا که مدیریت صحیح جلسات رسیدگی و صدور آرای علمی، کارآمد و عادلانه نادیده گرفته می‌شود و قضات به جای واکنش مناسب تحت فشار افکار عمومی و رسانه‌ها شدت عمل نشان می‌دهند و سبب سهل‌انگاری آنها می‌شود (سیدزاده ثانی، ۱۴۰۱: ۱۹، ۲۰ و ۲۱). افتادن در دام عوام‌گرایی در پرونده‌های قضایی سبب می‌شود تا نحوه رسیدگی و آرای قضایی به سبب کسب محبوبیت و مقبولیت یا به جهت فرار

۱. از مجوزهای باز استفاده می‌کنند یا در دامنه عمومی منتشر می‌شوند.

از فشار افکار عمومی تحت تأثیر قرار بگیرد. از مؤلفه‌های اصلی جامعه دموکراتیک، به‌دادن به افکار عمومی در خصوص مسائل مختلف جامعه است (قماش، ۱۳۹۷: ۱۳). به همین سبب در جایی که افکار عمومی به‌دلیل به آگاهی از پرونده‌ها مطالبه‌گر می‌شود، دستگاه قضایی نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت باشد و اغلب احساسی و به دور از منطق حقوقی به اتفاق رخ داده واکنش نشان می‌دهد.

۲.۶. دیدگاه موافقان

در مقابل برخی اعتقاد دارند که دستگاه قضایی نسبت به سازمان‌ها، نهادها و مؤسسات حاکمیتی دیگر بیشتر در معرض فساد قرار دارد و آلوده شدن این نهاد تأثیر زیادی در ایجاد حس عدم رضایت بر مردم می‌گذارد، به‌گونه‌ای که به‌سختی ترمیم‌شدنی است. حکایت هنوز در برلین قاضی است، به‌خوبی نمایانگر تأثیر بی‌بدیل دستگاه قضاست.^۱ بنابراین باید تحت نظارت دقیق باشد. نظارت توسط هر نهادی غیر مردم باز هم قابل اعتماد نیست و خود ناظر نیز نیاز به نظارت دارد. آزادی اطلاعات دیگر نیاز به نظارت ندارد و در عین حال هزینه کمتری هم دارد. راه برون‌رفت از عوام‌گرایی نیز بالا بردن سطح دانش و تفکر مردم است. در جایی که آزادی اطلاعات نوباست، بی‌شک مشکلاتی وجود خواهد داشت، اما با آموزش و تحلیل آرای قضایی توسط حقوقدانان، سطح دانش حقوقی مردم بالا خواهد رفت. همچنین درصد کمی از پرونده‌ها با واکنش هیجانی و عوامانۀ مردم روبه‌رو می‌شود و تعداد زیادی از پرونده‌ها به‌دلیل عدم حساسیت جامعه نسبت به آنها فقط توجه متخصصان و حقوقدانان را جلب می‌کند. ضمن آنکه چالش‌های این‌چنینی سبب رشد جامعه خواهد شد. شفافیت، آزادی بیان و مطبوعات، انتخابات و غیره چالش‌هایی هستند که در نهایت به بلوغ جامعه منجر می‌شوند، اگرچه در ابتدا با مشکلاتی نظیر عوام‌گرایی و پوپولیسم مواجه خواهند بود.

در زمینه برگزاری علنی دادگاه، انتشار اطلاعات قضایی که با حریم خصوصی اشخاص می‌تواند در تعارض باشد، باید گفت که این امر با حریم خصوصی در مواردی در تقابل قرار می‌گیرد. مطابق بند ۱

۱. فردریک کبیر می‌خواست در رقابت با ورسای، قصری بسازد. در کار ساخت قصر، وقفه افتاد. علت را پرسید. گفتند در گوشه‌ای از زمین، آسیابی است که صاحبش نمی‌فروشد. فردریک شخصاً به سراغ آسیابان رفت و علت را پرسید. آسیابان گفت: اینجا موروثی است و من نه آنقدر متمولم که به آن احتیاج نداشته باشم و نه آنقدر فقیر که به پولش نیازمند باشم، پس نمی‌فروشم. فردریک با پرخاش گفت: تو می‌دانی با چه کسی حرف می‌زنی؟ من اینجا را از تو می‌گیرم! آسیابان لبخندی زد و گفت: نمی‌توانی چون هنوز در برلین قاضی هست. فردریک به یاد نصایح «ولتر» افتاد که به او گفته بود: در حکومت هر چیزی را ابزار خودت کن جز دستگاه عدالت را، چون مردم از هر جا رانده شوند به دستگاه عدالت پناه می‌برند، و وقتی آنجا را نیز گوش به فرمان تو ببینند دیگر به بیگانه پناه می‌برند، و بدین ترتیب پای بیگانه به کشورت باز می‌شود.

ماده ۲ طرح حمایت از حریم خصوصی، «حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر شخص است که آن شخص عرفاً یا با اعلان قبلی در چارچوب قانون، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به آن وارد نشوند یا بر آن نگاه یا نظارت نکنند و یا به اطلاعات مربوط به آن دسترسی نداشته یا در آن قلمرو وی را مورد تعرض قرار ندهند» (انصاری، ۱۳۹۰: ۳۱۶).

درست است که حریم خصوصی و منع ورود به حیطه خصوصی افراد با کرامت و حیثیت انسان‌ها در ارتباط است و جزء حقوق بشر به حساب می‌آید، لکن نظارت بر دستگاه قضایی که با آزادی اطلاعات و داده باز قضایی محقق می‌شود نیز از اهمیت زیادی برخوردار است.

قوانین و مقررات ایران حدود این حقوق را از یکدیگر مشخص نکرده است؛ بنابراین لازم است رابطه آنها بررسی شود و بین این دو اصل جمع کرد (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۳۶)، بنابراین این مطلب که به سبب حریم خصوصی، آزادی اطلاعات و داده باز قضایی کنار گذاشته شود یا به بهانه آزادی اطلاعات و باز کردن داده‌های قضایی حریم خصوصی با چالش‌های جدی روبه‌رو شود، صحیح نیست. رفع این ابهام و مشخص کردن حدود این دو اصل در این مقال نمی‌گنجد، اما در پاسخ به مخالفان آزادی اطلاعات که مخالفت آنها به دلیل رعایت نکردن حریم خصوصی است، باید خاطر نشان کرد:

اولاً در انتشار بسیاری از اطلاعات قضایی می‌توان هویت افراد را حذف کرد و بدون آنکه مشخص باشد، اصحاب دعوا، شاهدان، کارشناسان و غیره چه اشخاصی هستند، عملکرد دستگاه قضا را در معرض نقد قرار داد. همان‌طور که در حال حاضر آرای قضایی در سامانه جامع آرای قضایی در معرض دید همه افراد قرار دارد؛

ثانیاً در برخی موارد می‌توان رضایت ذی‌نفعان را به دست آورد. اگر افراد از مزایای آزادی اطلاعات مطلع باشند و بدانند که تأثیر مستقیم آزادی اطلاعات، اجرای عدالت و کاهش احتمالی فساد قضایی است، حتماً نسبت به این مسئله واکنش مثبتی نشان خواهند داد و نسبت به انتشار اطلاعات مرتبط با خود رضایت خواهند داشت؛

ثالثاً در اسناد معتبر حقوق بین‌الملل بشری مانند بند ۱ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر علنی بودن دادرسی به عنوان حقی در نظر گرفته شده است که موجب رسیدگی منصفانه و عادلانه می‌شود. محیطی که با اجرای علنی بودن دادرسی فراهم می‌شود، برای اجرای تمام اصول دادرسی بستر شفاف و مناسبی ایجاد می‌کند (محسنی، ۱۳۸۹: ۲۶۲). نکته شایان توجه آنکه اگر علنی برگزار شدن جلسات رسیدگی با اخلاق حسنه یا نظم عمومی یا امنیت ملی، مصلحت زندگی خصوصی اصحاب دعوا و مواردی که به مصلحت دادگستری باشد، در تضاد باشد و این امکان را برای دادگاه فراهم سازد تا جلسات دادرسی به صورت سری برگزار کند، با وجود این حکم صادره باید در دسترس عموم قرار گیرد (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۰۸)؛

رابعاً عدالت و سلامت قضایی از چنان اهمیتی برخوردار است که باید پذیرفت در برخی موارد افشای هویت و اطلاعات خصوصی افراد ضروری است (انصاری، ۱۳۹۷: ۲۲۹). برای مثال اینکه کارشناسی در پرونده‌ها به گونه‌ای باشد که به کارشناسان خاصی ارجاع شود یا اینکه درصد زیادی از آرای یک قاضی در تجدیدنظرخواهی به دلیل موارد غیرقضایی نقض شود، بدون افشای هویت آنها غیرممکن است؛ خامساً جامعه ایرانی طی سالیان متمادی با فرهنگ اسرارگرایی خو گرفته است. برای حمایت از آزادی اطلاعات قضایی راهی جزء مقابله با این فرهنگ وجود ندارد؛ چراکه با وجود فرهنگ اسرارگرایی سخن از آزادی اطلاعات قضایی بی‌فایده است. فعالیت‌های آموزشی و تقنینی سازوکارهایی هستند که می‌تواند موجب تضعیف این فرهنگ شود.

در آمریکا، انگلستان، اتریش، روسیه، بوسنی و هرزگوین، مقدونیه و صربستان آرای قضایی به‌روز منتشر می‌شود. در اتریش آرای دادگاه‌ها با فرمت‌ها مختلف XML، HTML، PDF و RTF در اختیار مردم قرار می‌گیرد. انتشار با فرمت‌های مختلف به این دلیل است که احتمال ناتوانی افراد در مشاهده آرای قضایی به حداقل برسد. همچنین در اتریش از سه طریق وبسایت، رابط برنامه‌نویسی و اپلیکیشن مخصوص گوشی همراه آرا در دسترس مردم قرار می‌گیرد. در برخی کشورها به مانند صربستان به همه آرای قضایی دسترسی وجود ندارد؛ بلکه آرای قرار داده‌شده گزینشی است (Markovic, 2018: 11).

علنی برگزار شدن جلسات رسیدگی در بیشتر کشورها مورد پذیرش واقع شده است. حتی در برخی کشورها به دلیل اهمیت بالای آن پورتال اینترنتی ایجاد کردند تا مردم بدون نیاز به حضور فیزیکی، به‌صورت آنلاین در دادگاه‌ها شرکت کنند. در مونته‌نگرو علنی بودن دادگاه‌ها واقعاً به معنای دقیق کلمه اجرا می‌شود، چراکه از طریق وب جلسات رسیدگی قابل پیگیری است. دیوان عالی کانادا در سال ۱۹۸۱ اجازه ورود دوربین به داخل جلسات رسیدگی در دیوان را صادر کرد. از سال ۲۰۰۹ تمام جلسات دیوان عالی کشور به‌صورت برخط و زنده قابل مشاهده است. دیوان عالی انگلستان نیز در اکتبر ۲۰۰۹ اجازه ورود دوربین برای پخش زنده و برخط را داد. در برزیل نیز تمام جلسات اداری و قضایی دیوان عالی کشور از سال ۲۰۰۲ در تلویزیون به‌صورت زنده پخش می‌شود (Bodnar, 2016: 155). در قواعد و اصول آیین دادرسی فراملی نیز در دسترس قرار گرفتن پرونده‌ها و سوابق دادگاه برای عموم به‌خصوص پژوهشگران و محققان پیش‌بینی شده است (پوراستاد، ۱۳۸۷: ۵۶).

۷. تکلیف دستگاه قضا در ارائه داده‌ها

در زمینه آزادی اطلاعات و داده باز قضایی علاوه بر قانون انتشار، آیین‌نامه «نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضاییه» مصوب ۱۳۸۶/۰۸/۱۴ و «سند تحول قضایی» مصوب ۱۳۹۹/۰۹/۳۰ قابل بررسی است. پرداخته می‌شود. آیین‌نامه نظام جامع اطلاع‌رسانی قوه قضاییه نتوانسته دستگاه قضایی را به نهادی پاسخگو

تبدیل کند. در این آیین‌نامه روش‌های اطلاع‌رسانی، زمان اطلاع‌رسانی به سه شکل فوری، دوره‌ای اعم از روزانه، هفتگی، ماهانه و موردی، موارد غیرقابل انتشار^۱ و معرفی «شورای اطلاع‌رسانی قوه قضائیه» ذکر شده است.

در سند تحول قضایی نیز راهبرد چهارم برای چالش غیرمتقن بودن آرا و تصمیمات قضایی، ایجاد شفافیت در فرایند رسیدگی و صدور آرای قضایی است و بدین منظور راهکاری که برای آن در نظر گرفته شده است:

۱. اعلام عمومی اوقات رسیدگی جلسات علنی دادگاه و ضرورت اعلام دلایل عدم برگزاری علنی

دادگاه در دادنامه با اصلاح قوانین و مقررات مرتبط؛

۲. انتشار عمومی و برخط آرای قضایی با حفظ محرمانگی اطلاعات اشخاص دخیل در پرونده از

طریق ایجاد «سامانه آرای قضایی» با امکان تحلیل و ارزیابی عمومی و ترغیب اشخاص از جمله

نخبگان و نهادهای تخصصی به مشارکت در ارزیابی آرا به کمک طراحی نظام انگیزشی مناسب؛

۳. ضبط صدا و تصویر مراحل رسیدگی در دادسراها و دادگاه‌ها و فراهم‌سازی دسترسی برخط

دادگاه‌ها، دیوان عالی کشور و مراجع نظارتی قوه قضائیه به آن.

مهم‌ترین ایراد آیین‌نامه و سند مذکور محدود کردن آزادی اطلاعات به علنی برگزار شدن جلسات

رسیدگی و انتشار آرای قضایی است. این در حالی است که اطلاعات قضایی فراتر از این موارد است؛ به

صورت کلی داده و اطلاعات قضایی حائز اهمیت - مواردی که انتشار و دسترسی به آن مورد توجه اهداف

آزادی اطلاعات است - به دو دسته اداری و قضایی تقسیم می‌شود. داده و اطلاعات اداری به مواردی نظیر

اطلاعات راجع به قضات، دادگاه‌ها، مقامات قضایی، میزان حقوق و صورت دارایی منقول و غیرمنقول قضات

و مقامات قضایی، مصوبات مربوط به امر قضا، آمار قضایی، بودجه قضایی و ... اطلاق می‌شود. اطلاعات

اداری باید توسط دستگاه قضایی منتشر شود یا اگر منتشر نمی‌شود این حق به واسطه قانون انتشار داده شود

۱. اسناد و اطلاعات دارای طبقه‌بندی حفاظتی (اسناد سری و محرمانه دولتی)، مذاکرات غیرعلنی محاکم و تحقیقات مراجع

قضایی و انتظامی در مرحله مقدماتی و انتشار جریان دادگاه علنی قبل از قطعی شدن حکم، دعاوی خصوصی اشخاصی

که حداقل یکی از طرفین دعوا تقاضای غیرعلنی بودن آن را کرده باشد و همچنین انتشار اسامی، عناوین اتهام که

مغایر با حیثیت و آبروی اشخاص باشد، جریان رسیدگی به جرائم خانوادگی، اطفال یا فیلمبرداری و تهیه عکس و

افشای هویت طفل متهم، اخباری که افشا و انتشار آن موجب اختلال و مانع انجام صحیح و سالم در روند دادرسی

عادلانه قضایی شود، اخباری که موجب تفرقه و دوگانگی و تشدید درگیری میان اقشار جامعه، گروه‌ها احزاب و

مسئولان شود، اخباری که موجب آشفتگی، اذهان عمومی و یا هراس بین آنان و یا موجب بی‌اعتمادی عمومی به نظام

و دستگاه قضایی شود، مصاحبه، صدور اطلاعیه یا خبری که مغایر شأن قضات و یا موجب خدشه‌دار شدن اقتدار و

استقلال قضایی شود، هرگونه اظهار عقیده مقامات قضایی در خصوص برائت و مجرمیت متهم پیش از اتمام رسیدگی و

اعلام رأی و گزارش‌های بازرسان بازرسی کل کشور به تشخیص رئیس قوه قضائیه.

تا از طریق سامانه سؤال پرسیده و ظرف مدت ده روز پاسخ داده شود. نکته حائز اهمیت آن است که قوه قضاییه یک دستگاه از ۱۲ زیرمجموعه خود را فعال کرده است. بر همین اساس دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری، سازمان زندان‌ها، سازمان بازرسی، سازمان ثبت اسناد و املاک و سازمان پزشکی قانونی کشور از جمله نهادهای مهمی‌اند که جای خالی آنها در سامانه کاملاً مشهود است.^۱

داده و اطلاعات قضایی به دفتر ثبت عرایض، دفتر ثبت لوایح، دفتر اندیکاتور، دفتر اوقات، دفتر ارسال و مراسلات، دفتر مخصوص زندان و بازداشتی‌ها، پرونده‌های در حال رسیدگی، پرونده‌های مختومه، آراء، قرارهای صادره^۲ و ... اطلاق می‌شود. البته همه اطلاعات قضایی به محاکمات مربوط نمی‌شوند؛ بلکه در بین انواع اطلاعات قضایی، دسترسی به اطلاعاتی که در نتیجه اقدام قضایی از سوی یک شخص یا علیه یک شخص تولید می‌شوند، اهمیت خاصی دارد. بر این اساس، در امور کیفری، اطلاعات درباره بازداشت یک متهم، آلات و ادوات جرم که از او به دست آمده است، پرونده‌ای که در دادرسی در مورد وی تشکیل شده است، کیفرخواستی که علیه او صادر شده، پرونده وی در دادگاه و رأی یا قرار که قاضی در موردش صادر کرده است و در صورت محکومیت به زندان، اطلاعات در خصوص اقداماتی که از سوی دادگاه در مورد زندانی صورت می‌گیرد، نظیر اجازه مرخصی یا صدور حکم بخشودگی از مهم‌ترین اطلاعات قضایی محسوب می‌شوند. اطلاعات قضایی از پیچیدگی بیشتری برخوردار است که بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

۱.۷. تشکیل و نحوه رسیدگی به پرونده

پرونده با تشکیل آن نزد مراجع قضایی مفتوح و با صدور رأی قطعی مختومه و در صورت محکومیت فرایند اجرا آغاز می‌شود. شروع رسیدگی در دادگاه‌های عمومی حقوقی و کیفری، دادگاه‌های اختصاصی و مراجع اداری متفاوت است. در دادگاه‌های عمومی شروع رسیدگی مستلزم تقدیم دادخواست است. با توجه به الکترونیکی شدن دادخواست‌ها، دفاتر خدمات قضایی یا وکلا از طریق سامانه خودکاربری خود دادخواست را به مرجع قضایی با توجه به صلاحیت ذاتی و محلی آن ارسال می‌کنند. مدتی طول می‌کشد تا به شعبه دادگاه ارجاع شود. برخی اوقات دادخواست با طرح ایراد به سامانه برمی‌گردد که در بسیاری مواقع خلاف قانون است. برای مثال در پرونده‌ای به دلیل آنکه یکی از شهود در سامانه ثنا عضو نشده بود، دادخواست برگشت داده شد. پس از ارجاع مدیر دفتر دادگاه باید فوری آن را ثبت و طبق ماده ۵۳

1. https://iranfoia.ir/fa/web/guest/news/-/asset_publisher/sF7VLMfJkpN/content/-1396-02-04

۲. در برخی کشورها ظرف ۲۴ ساعت آراء و قرارهای صادره از محاکم در پایگاه اطلاع‌رسانی دادگستری قرار داده می‌شود و تا یک ماه در دسترس عموم است.

آیین دادرسی مدنی بررسی کند. برای مثال از این نظر که برابر قانون هزینه دادرسی به درستی پرداخت شده باشد و یا اینکه مشخصات خوانده طبق قانون درج شده باشد. پس از بررسی توسط مدیر دفتر، طبق ماده ۶۴ قانون آیین دادرسی مدنی وی باید پرونده را فوراً در اختیار قاضی قرار دهد. قاضی پرونده را ملاحظه می‌کند و در صورتی که کامل باشد دستور تعیین وقت را به دفتر می‌دهد. این فرایند در مورد دعاوی حقوقی است. در مورد دعاوی مرتبط با دادگاه‌های عمومی کیفری، پرونده به دادسرا ارجاع می‌شود و پیش از ارجاع به شعبه، در برخی اوقات به کلانتری برای جمع‌آوری اسناد و مدارک، گرفتن اظهارات و ... ارسال می‌شود. پس از آن به شعبه ارجاع می‌شود. شکل‌گرایی‌ای که در دعاوی حقوقی وجود دارد در دعاوی کیفری به دلیل جنبه عمومی جرم وجود ندارد.

هر کدام از اقدامات مذکور تحت عنوان اطلاعات قضایی قابل بررسی است. «زمانی» که صرف می‌شود تا دادخواست تقدیمی به شعبه‌ای ارجاع شود، «شعبه‌ای» که دادخواست به آن ارجاع می‌شود، «زمانی» که صرف می‌شود تا دادخواست بررسی و وقت رسیدگی تعیین شود و ... باید به عنوان اطلاعات قضایی قابل انتشار باشد. انتشار اطلاعات مسئولان را پاسخگو می‌سازد. اگر جلسه رسیدگی‌ای تشکیل شده و طبق ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی باید حداکثر ظرف ۷ روز رأی آن صادر شود و اگر نمی‌شود دلیل آن چیست. اگر وقت نظارت قضایی گذاشته شده است، به چه دلیل بوده و فاصله آن تا رویداد قبلی چقدر است. برای مثال در پرونده‌ای قاضی از مرجعی استعلام می‌گیرد تا با توجه به آن رأی صادر کند. پس از گذشت شش ماه از ارسال استعلام هنوز دادگاه دستوری صادر نکرده است. اگر نظارت همگانی وجود داشته باشد، افکار عمومی به این اقدام قاضی دادگاه واکنش نشان خواهد داد.

در دعاوی کیفری نیز «زمانی» که صرف می‌شود تا شکوائیه به کلانتری ارجاع شود، «نام کلانتری و مأمور کلانتری»، «سؤالات و اظهاراتی» که از شاکی و متشاکی پرسیده و استماع می‌شود، بدون ذکر نام، «مدت زمانی» جمع‌آوری ادله، اینکه چه «دلایلی» مانند معاینه محل و ... جمع‌آوری شده باید منتشر شود. در دعاوی کیفری زمانی که بازپرس به این تصمیم می‌رسد که متشاکی متهم است، تفهیم اتهام کرده و برای وی قرار وثیقه صادر می‌کند. غیر از قرار بازداشت و قرارهایی که به بازداشت منجر می‌شود، سایر وثایق قابل اعتراض نیست. ضمن آنکه اختیار بازپرس برای تعیین قرار تأمین کیفری بسیار فراخ است. یکی از مهم‌ترین داده‌هایی که باید باز شود، همین مورد است.

۲.۷. جلسه رسیدگی

علاوه بر مسائلی که در زمینه پرونده حادث می‌شود مانند گزارش ضابطان، تحقیق محلی و غیره، جلسات رسیدگی در دادسرا و دادگاه نیز از اهمیت زیادی برخوردار است چراکه اصل تناظر و اصل برابری سلاح که یکی از مهم‌ترین اصول دادرسی و در فقه نیز مورد تأکید بسیار است (خدابخشی، ۱۳۹۰: ۲۹۳)، در

جلسات دادرسی محقق می‌شود. طرفین دعوا باید فرصت دفاع را به‌صورت یکسان داشته باشند و ضمن آنکه هریک از اصحاب دعوا باید بتواند ادعای خود را در شرایطی مطرح سازد که او را نسبت به طرف مقابل خود در وضعیت مناسب‌تر یا نامناسب‌تری قرار ندهد.

ضمن آنکه در بیشتر مواقع، آرای صادرشده، نشان‌دهنده ادعاها و دفاعیات مطرح‌شده نیست؛ بدین معنا که با خواندن رأی معلوم نمی‌شود چه مسائلی در جلسه رسیدگی مطرح شده است. برای مثال در پرونده‌ای دو نفر متهم به غصب عنوان می‌شوند و ضابط قضایی که آنها را در حین ارتکاب جرم می‌بیند، گزارشی از وقوع جرم تهیه می‌کند و به بازپرس ارائه می‌دهد. یکی از متهمان نیز اقرار به ارتکاب جرم کرده و دیگری را نیز شریک خود معرفی می‌کند، اما متهم دیگر اتهام را نمی‌پذیرد. دادگاه کیفری در رأی خود این‌گونه می‌نویسد: «از آن جهت که مدافعه در اوراق پرونده دلالتی بر وجود دلایل اثباتی به شرح منعکس در مواد ۱۶۰ و ۱۹۹ از قانون مجازات اسلامی در توجه بزه معنونه به متهمان ندارد، لذا دادگاه حکم بر برائت ایشان صادر می‌نماید».^۱ در رأی دادگاه مشخص نمی‌شود که به چه دلیل اقرار یکی از متهمان و گزارش ضابط مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.^۲ بنابراین قانونگذار برای حفظ حقوق طرفین دعوا و برای آنکه قاضی اصل بی‌طرفی و اصل مدیریت صحیح جلسه^۳ را رعایت کند، اصل را بر علنی بودن دادگاه‌ها قرار داده است. طبق اصل ۱۶۵ قانون اساسی «جلسات رسیدگی، علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد». همچنین طبق ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی کیفری «محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرائم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند:

۱. پرونده با شماره کلاسه ۱۱۰۲۳۹۶۰۰۰۶۸۹۲۰۰۰۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۱۰۰۸۵۶۲ با شماره دادنامه ۱۴۰۰۶۸۳۹۰۰۱۱۰۰۸۵۶۲ صادره از شعبه ۱۰۵۳ دادگاه کیفری ۲ شهر تهران.
۲. دادگاه خلاف صریح اصل ۱۶۶ قانون اساسی که مستدل بودن را لازم می‌داند رأی را بدون هیچ‌گونه استدلالی صادر می‌کند.
۳. یکی از اصول مهم در دادرسی که به آن کمتر توجه می‌شود، اصل مدیریت صحیح جلسه رسیدگی است. دادگاه از خواهان یا شاکی می‌خواهد که اظهارات خود را بیان کند. پس از شنیدن اظهارات وی، نوبت را به خواننده یا متهم می‌دهد تا بر اساس ادعاهای طرف مقابل پاسخ بدهد. اگر مسئله‌ای در ذهن قاضی مطرح شود که خواهان یا شاکی مطرح نکرده ولی در پرونده سرنوشت‌ساز است، برای مثال قاضی این ابهام برایش ایجاد می‌شود که دعوا متوجه خواننده نیست و خواننده به این مسئله ایراد نکرده است. در مدیریت صحیح جلسه رسیدگی، قاضی موظف است ابهام خود را به‌گونه‌ای که شائبه جانبداری مطرح نیست، از خواهان پرسد. پرسش آن از اهمیت زیادی برخوردار است، چراکه ممکن است خواهان یا وکیل وی به ابهام قاضی پاسخ دهد.

الف) امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است.

ب) علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.

تبصره - منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. منظور از علنی بودن، آن است که علاوه بر اشخاصی که به عنوان اصحاب دعوا اعم از خواهان، خوانده، شاکی، متهم و وکیل هریک از طرفین، بتواند بدون دعوت و احضار قبلی در دادگاه حاضر شود و جریان رسیدگی را از نزدیک مشاهده کند بدون اینکه رئیس دادگاه مانع حضور او شود (خالقی، ۱۳۹۷: ۴۴۴). علنی برگزار کردن جلسات دادرسی امروزه یکی از مؤلفه‌های دادرسی منصفانه و حتی از حقوق بشر شمرده می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۹: ۱۷۸). در ماده ۳۵۳، مفهوم علنی بودن جریان رسیدگی از صرفاً حضور در جلسه فراتر رفته و به رسانه‌ها اجازه داده شده است تا جریان رسیدگی و گزارش پرونده را بدون ذکر مشخصات شاکی و متهم و هویت فردی اصحاب دعوا منتشر کنند.

اصل علنی بودن دادگاه‌ها در عمل رعایت نمی‌شود و دادگاه‌ها هم به دلیل کمبود فضا و هم به سبب برقراری نظم جلسات ترجیح می‌دهند تا بدون حضور افراد فاقد سمت، جلسه دادگاه را برگزار کنند. این در حالی است که ماده ۳۵۴ قانون آیین دادرسی کیفری اخلاف در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص را، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی‌داند.

بر اصل علنی برگزار شدن جلسات رسیدگی استثنائاتی وارد شده است. قانون در جرائم قابل گذشت به اصحاب دعوا اجازه داده تا غیرعلنی بودن محاکمات را درخواست کنند که البته قابل انتقاد است، چراکه اولاً اگر بپذیریم که هدف برگزاری علنی محاکمات تأمین منافع عموم است، به نظر می‌آید که به راحتی نباید آن را به حقوق اشخاص گره زد و آن را محدود کرد؛ ثانیاً قابل گذشت بودن جرم، دلیل موجهی برای مستثنا کردن اصل علنی بودن نخواهد بود. برای مثال جرم خیانت در امانت قابل گذشت و جرم کلاهبرداری بالای ۱۰۰ میلیون تومان غیرقابل گذشت است. واقعاً این دو چه تفاوتی با یکدیگر دارند که در برگزاری علنی جلسات آنها مؤثر است؟ همچنین اگر قرار غیرقابل علنی بودن محاکمات، قابلیت اعتراض می‌داشت و جلسه رسیدگی موکول به نتیجه اعتراض می‌بود، احتمالاً این اصل مهم دادرسی کمتر نقض می‌شد. قانون در جایی که دادستان مخالف علنی بودن محاکمه باشد، مقرر کرده است که رئیس دادگاه باید اظهارات وی را استماع کرده و تصمیم‌گیری کند، اما در جایی که قاضی تشخیص بر غیرقابل علنی بودن می‌گیرد، قابلیت اعتراض را پیش‌بینی نکرده است.

اصل علنی بودن امروزه تعریف وسیع‌تری پیدا کرده و دیگر تنها به معنای حضور فیزیکی در جلسات دادرسی^۱ نیست، بلکه شامل جنبه‌های الکترونیکی نیز می‌شود. حضور فیزیکی در دادگاه علاوه بر

1. Physical presence at the court

فایده‌ای که دارد، یعنی قاضی واقعاً افرادی را می‌بیند که ناظر جلسات رسیدگی هستند، اما معایبی هم دارد، از قبیل اینکه برقراری نظم دشوار خواهد بود، برای حضور مردم فضای کافی لازم است و اینکه مردم باید مسافتی را طی کنند که هم مستلزم هزینه مالی و صرف زمان است. به‌جای آن از طریق وبسایت دادگاه می‌تواند به‌صورت مجازی در دادگاه حاضر شود (Reiling, 2009: 267-268).

۳.۷. دسترسی به دلایل نزد طرف مقابل یا اشخاص ثالث

آزادی اطلاعات قضایی برای دستیابی به ادله در دادرسی و جلوگیری از اینکه فرایند دادرسی همچون پرتاب تیری در تاریکی نشود، ضروری است. از این‌رو طرح دعوا بر اساس دلیلی که در اختیار طرف دیگر یا شخص ثالث است، بر مبنای درخواست الزام وی به در دسترس قرار دادن دلیل باید امکان‌پذیر باشد (غمامی، ۱۳۹۰: ۱۳۴). در قواعد و اصول آیین دادرسی فراملی نیز بیان شده است که هریک از طرفین باید به دلایل مربوط به مورد دعوا و دلایلی که محرمانه و سری نیستند، از جمله اظهارات اصحاب دعوا و گواهان، گزارش کارشناسان، اسناد، دلایل ناشی از بازرسی اشیاء و معاینه محل یا در صورت اقتضا نسبت به دلایل ناشی از آزمایش و معاینه اشخاص از نظر جسمی یا روانی دسترسی داشته باشند.

در این قواعد پیش‌بینی شده است که دادگاه در صورت درخواست هریک از اصحاب دعوا دستور در دسترس قرار دادن دلایلی را که نزد طرف مقابل یا اشخاص ثالث است، صادر می‌کند. البته دلایل باید مربوط به دعوا باشد، محرمانه و سری نباشد و به‌طور متعارف محرز شود که دلایل مذکور نزد طرف مقابل یا اشخاص ثالث است (پوراستاد، ۱۳۸۷: ۴۸). برای مواردی که شخص از ارائه دلیلی که وجود آن نزد وی متعارف و معقول به‌نظر می‌رسد امتناع کند، باید ضمانت اجرا پیش‌بینی شود، همان‌طور که ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی ایران به دادگاه اجازه داده است از امتناع شخص مقرر به وجود سند نزد خود در ارائه آن قرینه مثبت استنباط کند یا در ماده ۲۱۲ قانون اخیرالذکر در صورت استنکاف از ارائه سند توسط کسی که مسئولیت ارائه آن را در اداره یا سازمان دولتی یا عمومی دارد، برای وی مجازات در نظر گرفته شده است.

۴.۷. رأی دادگاه

در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به موضوع علنی‌سازی آرای قضات توجه ویژه‌ای شده و تکالیفی بر عهده قوه قضاییه گذاشته شده است، در همین زمینه و در اجرای تکلیف ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه به قوه قضاییه سامانه تحلیل و نقد آرای دیوان عالی کشور و دادگستری‌ها (تناد) در سال ۹۲ به‌طور آزمایشی به بهره‌برداری رسید. تناد سامانه‌ای برای تحلیل و نقد آرای

دادگستری‌ها و دیوان عالی کشور است که با در نظر گرفتن حفظ حریم خصوصی افراد، آرای صادره از سوی محاکم را به صورت برخط (آنلاین) در معرض تحلیل و نقد صاحب‌نظران و متخصصان قرار می‌دهد. علاوه بر قانون برنامه، «دستورالعمل نحوه انتشار احکام دادگاه‌ها و برگزاری دادگاه علنی» در ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ توسط رئیس قوه قضاییه صادر شده است که به جز ماده ۵ آن تکرار قانون است و نکته جدیدی اضافه یا ابهامی را برطرف نمی‌کند.^۱ ماده ۵ دستورالعمل مقرر می‌کند که «در غیر از موارد مندرج در مواد فوق، کلیه آرای دادگاه‌ها بدون نام و مشخصات شاکیان و متهمان و خواهان‌ها و خواندگان با حفظ حریم خصوصی اشخاص، به نحوی که محتوای رأی منتظر شده موجب شناخته شدن هویت اصحاب دعوی نگردد، جهت نقد و بررسی توسط حقوقدان‌ها و آحاد جامعه منتظر خواهد شد مگر اینکه حسب مورد به تشخیص قاضی اجرای احکام یا قاضی صادرکننده انتشار آنها خلاف عفت عمومی یا امنیت ملی باشد».

در ماده ۱۰ دستورالعمل نیز، از رؤسای دادگستری استان‌ها خواسته شده است بر حسن اجرای این دستورالعمل نظارت کرده و هر شش ماه یک‌بار گزارش آرای انتشاریافته را برای حوزه ریاست قوه قضاییه ارسال کنند. علی‌رغم لزوم انتشار آرای قضایی که در قانون و دستورالعمل نیز به آن اشاره شده است، آرای قضایی به صورت گزینشی در سامانه ملی آرای قضایی^۲ منتشر می‌شود که البته تاریخ آخرین آرا به سال ۱۳۹۴ بازمی‌گردد.

۴.۷. نحوه اجرای رأی

اجرای احکام به مجموعه اعمالی گفته می‌شود که به منظور اعمال حکم دادگاه صورت می‌گیرد (شمس، ۱۴۰۱: ۱۲). پس از قطعی شدن آرای حقوقی و کیفری، پرونده به اجرای احکام ارجاع می‌شود. مدیر اجرا زیر نظر دادگاه بدوی فعالیت می‌کند و دستورهای لازم را به داورها می‌دهد. در دعاوی حقوقی در صورت اشکال در جریان اجرای احکام، بروز اختلافات ناشی از اجرای حکم، اجمال و ابهام حکم، رسیدگی با دادگاه صادرکننده حکم یا دادگاه بدوی است. در صورتی که هیچ‌گونه اشکال، ابهام و اجمالی در اجرای حکم یا رأی وجود نداشته باشد، اگر در رأی محکوم باید پرداخت انجام دهد، در صورت عدم پرداخت، اموال محکوم علیه توقیف می‌شود. در قانون اجرای احکام مدنی مقررات مربوط به توقیف با جزئیات بیان شده است. اگر با توجه به رأی، محکوم علیه موظف به انجام عمل معینی باشد و امتناع ورزد، در این صورت دادگاه طبق ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی عمل خواهد کرد.

1. <https://rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=23262>

2. <https://ara.jri.ac.ir>

در پرونده‌های کیفری نیز ممکن است بخشی از آن مانند اجرای احکام حقوقی باشد، برای مثال در جرم کلاهبرداری محکوم علیه علاوه بر مجازات قانونی، محکوم به استرداد مال هم می‌شود. بخش دیگر آن مربوط به اجرای احکام کیفری است که توسط دادسرا انجام می‌پذیرد. در این قسمت که شامل جزای نقدی، حبس، شلاق، قطع عضو، اعدام و ... می‌شود، زیر نظر قاضی اجرای احکام صورت می‌پذیرد. اجرای احکام اعم از حقوقی و کیفری قسمت مهمی است. هنگامی که دادگاه حکم صادر می‌کند ولی محکوم علیه داولطلبانه آن را اجرا نمی‌کند، اگر راهکارهای مؤثری در اجرای رأی و الزام محکوم علیه یا مجرم وجود نداشته باشد، رأی دادگاه به کاغذ بی‌ارزش تبدیل می‌شود. به همین دلیل، وجود راهکارهای مؤثر برای اجرای مطلوب احکام و تأمین عدالت ضرورت دارد. انتشار اطلاعات قضایی و باز کردن داده‌های قضایی از دو جنبه در اجرای احکام حقوقی و کیفری اهمیت دارد؛ جنبه اول، بحث نظارت دقیق بر روی فرایند اجرای احکام است. اینکه چند درصد از احکام دادگاه‌ها اجرایی می‌شود، سؤال بسیار مهمی است که باید پاسخ شفاف و روشنی برای آن ارائه شود. برای مثال اگر با انتشار داده‌ها مشخص شود که تعداد بسیاری از محکومان به حبس، پس از اطلاع از حکم خود متواری می‌شوند و به‌صورت میانگین یک سال طول می‌کشد تا به زندان برده شوند یا اینکه اگر معلوم شود که محکوم‌له‌ها به‌صورت میانگین دو سال پس از صدور اجراییه به محکوم به خود می‌رسند، نشان می‌دهد که در فرایند اجرای احکام مشکل اساسی وجود دارد و باید حل شود. نباید فراموش کرد که ضعف در اجرای احکام کیفری به افزایش وقوع جرم، و اشکال در اجرای احکام مدنی به تخلف از تعهدات قراردادی و غیر قراردادی در بین مردم منتج می‌شود.

جنبه دوم، انتشار اطلاعات برای دستیابی به اموال محکوم یا مجرم است. البته منظور از انتشار اطلاعات در این بخش، انتشار همگانی نیست، بلکه در دسترس قرار دادن اموال نزد مأموران اجرای احکام است. پرداخت پول که ناشی از محکومیت مدنی یا جزایی است، از مؤثرترین روش‌ها برای جلوگیری از بدعهدی و وقوع جرم است. اگر قرار باشد از زمان صدور اجراییه تا توقیف اموال محکوم مدت زمان زیادی سپری شود، بی‌شک فرد موردنظر اموال خود را منتقل می‌کند. درست است که قانونگذار معامله به قصد فرار از دین را جرم‌انگاری کرده است، اما راه‌های مختلفی برای دور زدن قانون انتقال اموال وجود دارد. ضمن آنکه تشکیل پرونده قضایی برای اثبات معامله به قصد فرار از دین خود زمان‌بر خواهد بود. در فرانسه شفافیت دارایی افراد عامل بازدارنده در نقض تعهد است (مقدادی، ۱۳۹۶: ۱۳۴)، اما در اجرای احکام کشور ما اول از اداره ثبت استعلام می‌شود که ملکی متعلق به محکوم است یا خیر. پس از گذشت حداقل ده روز استعلام به واحد اجرا ارائه می‌شود. شخص مجدد باید وقت اجرای احکام بگیرد و درخواست توقیف بخواهد. در بسیاری از اوقات اجرای احکام مجدد از اداره ثبت می‌خواهد که ملک را توقیف کند و در درخواست اول خود از اداره ثبت توقیف ملک را دستور نمی‌دهد. این مراحل

حداقل یک ماه طول می کشد و فرد موردنظر می تواند ملک خود را منتقل کند. همین مسئله در خصوص حساب های بانکی و خودرو نیز وجود دارد.

۸. نتیجه

دستگاه قضایی از مهم ترین ارکان کشور است، چراکه تحقق آرمان عدالت با وجود دستگاه قضایی سالم و کارآمد قابل تصور است. عدم نظارت یا ناکارآمدی ساختارهای نظارتی، شرایط ایجاد فساد را فراهم می سازد. بنابراین شفافیت که لازمه آزادی اطلاعات است، امکان نظارت همگانی را فراهم می کند. برای بررسی ارتباط دستگاه قضایی با آزادی اطلاعات در این مقاله به پرسش های مختلفی پاسخ داده شد.

پرسش اول این بود که آزادی اطلاعات قضایی به چه معناست. در پاسخ مطرح شد که قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات، اطلاعات را داده مکتوب، ذخیره شده به صورت نرم افزاری و یا ضبط شده به هر روشی می داند. داده با اطلاعات متفاوت است. داده های تحلیل شده را اطلاعات می نامند. گفته شد که اطلاعات و داده هر دو برای آزادی اطلاعات لازم است، اما داده حتماً باید ارائه شود، چراکه در تحلیل امکان انحراف وجود دارد. اطلاعات و داده هایی را که در دستگاه قضایی ایجاد می شود، اطلاعات قضایی می گویند. این اطلاعات به دو دسته اداری و قضایی تقسیم می شود. در متون قانونی کشور ما، اشاره ای به آزادی اطلاعات قضایی نشده است. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات به صورت کلی از مؤسسات عمومی خواسته است تا به صورت پیشدستانه اطلاعات را منتشر یا در صورت درخواست متقاضیان، اطلاعات خواسته شده را منتشر کنند.

در ادامه استدلال مخالفان انتشار اطلاعات قضایی مطرح شد که جان کلام آنها عوام زدگی، تأثیر نامطلوب رسانه و افکار عمومی روی آرای قضایی در رسیدگی های قضایی است. اما به این دیدگاه این گونه پاسخ داده شد که تعداد زیادی از پرونده ها به دلیل عدم حساسیت جامعه نسبت به آن فقط توجه متخصصان و حقوقدانان را جلب می کند. ضمن آنکه چالش های اجتماعی و گفت و گوی عمومی در خصوص پرونده های قضایی عامل رشد جامعه خواهد بود. شفافیت، آزادی بیان و مطبوعات، انتخابات و ... چالش هایی هستند که در نهایت به بلوغ جامعه منجر می شوند، اگرچه در ابتدا با مشکلاتی نظیر عوام گرایی، پوپولیسم و غیره مواجه خواهند بود.

در پایان نیز وضعیت فعلی دستگاه قضایی در اجرای آزادی اطلاعات بررسی و ملاحظه شد که آیین نامه «نظام جامع اطلاع رسانی قوه قضاییه» به آزادی اطلاعات کمکی نمی کند. آیین نامه فوق الذکر نتوانسته دستگاه قضایی را به یک نهاد پاسخگو تبدیل سازد. اطلاعات قضایی در سه مرحله ی تشکیل و نحوه رسیدگی به پرونده، جلسه رسیدگی، رأی دادگاه و نحوه اجرای رأی با رعایت حریم خصوصی افراد

باید منتشر شود. علنی بودن جلسات رسیدگی که البته در عمل اجرا نمی‌شود و انتشار آرای قضایی که در قانون برنامه پنجم آمده است اطلاعات قضایی را در مرحله جلسه رسیدگی و رأی دادگاه منتشر می‌سازد، اما نباید فراموش کرد که آزادی اطلاعات قضایی تنها به این دو مورد ختم نمی‌شود.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. اسماعیلی، محسن (۱۴۰۰). *حقوق آزادی اطلاعات در ایران*. ۲ جلد، چ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
۲. انصاری، باقر (۱۳۸۷). *آزادی اطلاعات*. چ اول، تهران: دادگستر.
۳. انصاری، باقر (۱۳۹۷). *حق دسترسی به اطلاعات*. چ اول، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه.
۴. انصاری، باقر (۱۳۹۰). *حقوق حریم خصوصی*. چ دوم. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۵. پوراستاد، مجید (۱۳۸۷). *اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی*. چ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۶. خالقی، علی (۱۳۹۷). *آیین دادرسی کیفری*. ۲ جلد. چ نوزدهم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۷. خالقی، علی (۱۳۹۷). *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. چ هفدهم، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۸. خدابخشی، عبدالله (۱۳۹۰). *مبانی فقهی آیین دادرسی مدنی و تأثیر آن در رویه قضایی*. چ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۹. رضی، ابوحسن (۱۳۸۲). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی، قم: اسوه.
۱۰. رنجبر، فضل‌الله (۱۳۹۷). *آزادی اطلاعات در پرتو حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران و فقه امامیه*. چ اول، تهران: قانون یار.
۱۱. شمس، عبدالله (۱۴۰۱). *اجرای احکام مدنی*. ۲ جلد. چ پنجم. تهران: دراک.
۱۲. غمامی مجید؛ محسنی، حسن (۱۳۹۰). *آیین دادرسی مدنی فراملی*. چ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۳. محسنی، حسن، (۱۳۸۹). *اداره جریان دادرسی مدنی بر پایه همکاری و در چارچوب اصول دادرسی*. چ ششم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۴. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۱). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. ۲ جلد. چ یازدهم، تهران: میزان.
۱۵. هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۴). *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*. چ اول، تهران: میزان.

(ب) مقالات

۱۶. احمدی، سید محمدصادق (۱۳۹۶). تحلیلی بر مفهوم حق نظارت همگانی بر قدرت بر اساس دو رابطه حق - ادعا و حق - آزادی. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، (۳)، ۷۰۷ - ۷۲۳.
۱۷. اسماعیلی، محسن (۱۳۹۲). مبانی و مصداق‌های آزادی ارتباطات و اطلاعات در حقوق و اندیشه اسلامی. مجله رسانه، (۹۰)، ۴۵ - ۶۰.
۱۸. جلالی، محمد؛ اثری، زهرا (۱۳۹۴). مؤلفه‌های رسانه آزاد در پرتو رویه اقتصادی. مجله تحقیقات حقوقی، (۶۹)، ۱۰۷ - ۱۴۰.
۱۹. جوان آراسته، حسین (۱۳۹۲). نظارت همگانی و متقابل در نظام اسلامی (تحلیل اصل هشتم قانون اساسی). فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، (۳۴)، ۱۲۹ - ۱۴۴.
۲۰. رحمانی، قدرت الله (۱۳۹۹). استثنا پذیری اصل علنی بودن دادرسی در رسیدگی به جرائم رسانه‌ای: گذار از یک سنت معیوب قضایی، مجله پژوهش حقوق کیفری، (۳۱)، ۱۷۷ - ۱۹۸.
۲۱. سیدزاده ثانی، مهدی؛ کرمانی، سعید (۱۴۰۱). آزادی بیان در تقابل با دادرسی منصفانه: تأثیر بازنمایی رسانه‌ای جرم بر نقض دادرسی. مجله فقه و تاریخ تمدن، (۱)، ۱۵ - ۲۵.
۲۲. صفایی، حسین؛ جعفری، علی (۱۳۹۱). رابطه آزادی اطلاعات با حریم خصوصی. نشریه حقوق اسلامی، (۳۳)، ۱۳۵ - ۱۵۹.
۲۳. قماش، سعید و انور احمدی (۱۳۹۷). بسترهای پیدایش عوام‌گرایی در دادرسی کیفری. مجله تحقیقات حقوقی معاهده، (۴)، ۱۱ - ۵۰.
۲۴. مولایی، مهرداد (۱۳۷۵). نظریه آزادی مطلق اطلاعات (مسئله پخش مستقیم تلویزیونی توسط ماهواره در حقوق بین‌الملل عمومی). مجله رسانه، (۲۶)، ۱۸ - ۲۹.
۲۵. نمک‌دوست تهرانی، حسن (۱۳۸۲). حق دسترسی به اطلاعات: بنیان‌ها، روند جهانی و جایگاه ایران. مجله علوم اجتماعی، (۵۳)، ۵۰ - ۶۶.
۲۶. هاشمی، سیدمحمد؛ میرقاسمی، سیدجواد (۱۳۹۱). حاکمیت قانون در اندیشه فلاسفه بزرگ مغرب‌زمین. مجله تحقیقات حقوقی، (۹)، ۱۹۶ - ۲۱۰.
۲۷. یآوری، اسدالله؛ تنگستانی، محمدقاسم (۱۳۹۵). نظام پاسخگویی قوه قضاییه و نسبت آن با استقلال این قوه. مجله حقوقی دادگستری، (۹۵)، ۱۵۱ - ۱۸۰.

(ج) پایان‌نامه‌ها

۲۸. حسینی، ولی‌الله (۱۳۹۱). دسترسی آزاد به اطلاعات: مطالعه تطبیقی نظام‌ها حقوقی ایران و اتحادیه اروپا. رساله دکتری. به راهنمایی سید محمد هاشمی: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تاریخ دفاع ۱۳۹۱/۰۱/۰۱.
۲۹. جان‌نثاری، محمد (۱۳۹۲). حدود آزادی رسانه‌ها در امور قضایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. به راهنمایی قاسم

د) سایت‌ها

30. <https://rrk.ir/Laws/ShowLaw.aspx?Code=23262> last seen on September 10th 2022
31. https://iranfoia.ir/fa/web/guest/news/-/asset_publisher/sF7VLMfJkpN/content/-1396-02-04 last seen on March 28th 2023
32. <https://ara.jri.ac.ir> last seen on March 28th 2023

۲. انگلیسی

A) Books

1. Charalabidis, Y and others. (2018). *The World of Open Data: Concepts, Methods, Tools and Experiences*. New York City: Springer International Publishing AG.
2. Kaufman, C. (2020). *Challenging Power: Democracy and Accountability in A Fractured World*, London: Bloomsbury Academic.
3. Kierkegard, S.(2009). *Open Access to Public Documents – More Secrecy Less Transparency*. Amsterdam: Elsevier Ltd.
4. Lazarski, C. (2012). *Power Tends to Corrupt: Lord Action's Study of Liberty*. Illinois: Northern Illinois University Press.
5. Kitchin, R. (2014). *The Data Revolution: Big data, Open data, Data infrastructures and their consequences*. London: SAGE Publications Ltd.
6. Herrero, A., & Lopez, G. (2010). *Access to Information and Transparency in the Judiciary: A Guide to Good Practices from Latin America*. Argentina" Asociacion por los Derechos Civiles (ADC). available at: www.adc.org.ar.
7. Reiling, D. (2009). *The Technology for Justice*. Amsterdam: Leiden University Press.

B) Articles

8. Markovic, M., & Gostojic, S. (2018). Open Judicial Data: A Comparative Analysis. *SAGE*, 1 – 20.
9. Bellinger, G., Durval, C., & Anthony, M. (2004). *Information, Knowledge, and Wisdom*, P1. available at: http://23055000.ir:98/sysworkflow/fa/modern/cases/cases_Sep?TYPE=DYNAFORM&UID=7090259065e138880335353068965652&POSITION=1&ACTION=EDIT.
10. Bodnar, E. (2016). *Transparency and Openness of Courts in the 21st Century. An Issue Worth Researching on*. Ecuador. Luris Distio, 153- 164.
11. Griffith, G. (1998). *Judicial Accountability*. Sydney. NSW Parliamentary Library Research Service. 1-73.